



Re-Examination of the Functions of ‘Shuhrah’ from the Perspective of *Shī‘ah* Scholars with Emphasis on the Innovations of *Mīrzā al-Nā‘īnī*

Akbar Najm ¹ Mohammadali Khademi Koosha²;Abdorahim Hosseini³ ; Ali Jaafari⁴

1. Lecturer at the higher levels of Qom Seminary and PhD student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law at Farabi Colleges. (Corresponding Author). <https://orcid.org/0000-0001-6080-1844>

2. Instructor of Advanced Level Studies of Qom Seminary, Head of the “Sciences Related to Fiqh” Department at Research Center for Jurisprudence and Law of The Islamic Sciences and Culture Academy, Qom. Iran.

3. Associate Professor, Faculty of Theology, Farabi College, University of Tehran.

4. Associate Professor, Faculty of Theology, Farabi College, University of Tehran.

Article Info

ABSTRACT

Article Type:

Research Article

Article History:

Received 27 July 2024

Received in revised form

30 December 2024

Accepted 03 February 2025

Keywords:

Shuhrah, Mīrzā al-Nā‘īnī, Evidential Weakness, Narrations Weakness, Establishment of Attribution (Istinād).

One of the innovations of Muḥaqqiq al-Nā‘īnī in the science of *Uṣūl al-Fiqh* relates to the inferential validity of Shuhrah (general acceptance). This topic has been examined and analyzed in three dimensions-practical (‘*amālī*’), textual (*riwāyī*), and legal-ruling (*fatwāyī*)-within *Uṣūl al-Fiqh*, which forms the main focus of this study. The primary question of this research is: what innovations did Muḥaqqiq al-Nā‘īnī present regarding this *uṣūlī* issue? Using an analytical-descriptive methodology, this study addresses, on the one hand, the functions of *shuhrah* as understood by Islamic scholars and, on the other hand, through critical analysis and examination of Mīrzā al-Nā‘īnī’s statements, elucidates his innovative contributions in this field. The findings of this study indicate that Mīrzā al-Nā‘īnī introduced significant innovations in the discussion of *Uṣūlī Shuhrah*.

Cite this article:

Najm. A & Others(2025). “ Re-Examination of the Functions of ‘Shuhrah’ from the Perspective of *Shī‘ah* Scholars with Emphasis on the Innovations of Mīrzā al-Nā‘īnī”. *Journal of Islamic Law and Jurisprudence*; 40(3); 7-37.



© 2025 / The Author(s) retain the Copyright and full publishing rights.

Publisher: Islamic Propagation Office of Qom Seminary- Khorāsān-e-Razavi Branch. DOI: <https://doi.org/10.22034/jrj.2025.69601.2846>

Among these innovations are: the non-requirement to establish attribution (*intisāb*) in practical *shuhrah* to compensate for the weakness of the chain of transmission (*sanad*), conditioned upon the absence of any other clear and decisive evidence; the denial of the possibility of compensating for the weakness of indication (*dalālah*) through practical *Shuhrah*, while simultaneously accepting its validity for reinforcing the continuity of indication; a tendency toward the independent validity (*hujjiyyah*) of *fatwāyī shuhrah*; and the compensation for the weakness of narrations' chains through *fatwāyī* and narrative (*riwāyī*) *shuhrah*.

بازخوانی کارکردهای شهرت از دیدگاه علمای شیعه با تأکید بر ابتکارات میرزای نائینی^۱

۱. اکبر نجم ؛ ۲. محمدعلی خادمی کوشا ۳. سید عبدالرحیم حسینی ۴. علی جعفری
۱. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده فقه و حقوق دانشگاه تهران، ایران
(نویسنده مسئول). رایانامه: a.najm.talabeh@gmail.com https://orcid.org/0000-0001-6080-1844
۲. مدرس خارج حوزه علمیه قم و مدیر گروه «دانش‌های وابسته به فقه» پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ
اسلامی، قم، ایران. رایانامه: khademi.50@gmail.com
۳. دانشیار دانشکده الهیات دانشکده فقه و حقوق دانشگاه تهران، ایران. رایانامه: abd.hosseini@ut.ac.ir
۴. دانشیار دانشکده الهیات دانشکده فقه و حقوق دانشگاه تهران، ایران. رایانامه: alijafari@ut.ac.ir

بازخوانی
کارکردهای شهرت
از دیدگاه علمای
شیعه با تأکید بر
ابتکارات میرزای
نائینی 

۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵



چکیده

یکی از نوآوری‌های محقق نائینی در علم اصول، مربوط به اعتبار استنباطی شهرت است؛ موضوعی که در سه ساحت عملی، روایی و فتوایی در علم اصول فقه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و محور این مقاله است. سؤال اصلی مقاله آن است که میرزای نائینی چه ابتکاراتی در این موضوع اصولی ارائه کرده است؟ مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی نگارش یافته و از یک سو به کارکردهای شهرت نزد علما اشاره می‌کند و از سوی دیگر،

۱. نجم، اکبر و همکاران (۱۴۰۴). «بازخوانی کارکردهای شهرت از دیدگاه علمای شیعه با تأکید بر ابتکارات میرزای نائینی ». جستارهای فقهی و اصولی. ۱۱: ۴۰ (۳). صص: ۷-۳۷.

 <https://doi.org/10.22034/jrj.2025.69601.2846>



© ۱۴۰۴. نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.
ناشر: مرکز تخصصی آخوند خراسانی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی.

با تحلیل و بررسی بیانات میرزای نائینی، به تبیین نوآوری‌های وی در این زمینه می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میرزای نائینی در بحث شهرت اصولی، نوآوری‌های قابل توجهی داشته است؛ از جمله: عدم نیاز به احراز انتساب در شهرت عملی برای جبران ضعف سند، مشروط به نبود مستند بین دیگری غیر از آن دلیل؛ انکار امکان جبران ضعف دلالت به واسطه شهرت عملی، در عین پذیرش آن برای تقویت کسری دلالت؛ تمایل به حجیت استقلالی شهرت فتوایی؛ جبران ضعف سندی روایات به واسطه شهرت فتوایی و روایی.

کلید واژه‌ها: شهرت، میرزای نائینی، ضعف دلالتی، ضعف سندی، احراز استناد.

مقدمه

شهرت یکی از آموزه‌های مهم در علم اصول فقه است که از دیرباز مورد توجه و بررسی علمای این علم قرار داشته است. این نهاد اصولی در سه ساحت شهرت عملی، شهرت روایی و شهرت فتوایی مطرح بوده و همواره محل بحث و تبادل نظر میان اصولیان بوده است. فقهای امامیه برای هر یک از ساحت‌های یادشده، کارکردهای متفاوتی بیان کرده‌اند که می‌توان این کارکردها را در دو دسته کلی تقسیم‌بندی نمود:

دسته نخست، کارکرد استقلالی است. در این نوع کارکرد، شهرت - با در نظر گرفتن اقسام مختلف و متمایز آن - به عنوان دلیلی مستقل برای اثبات حکم شرعی همانند دیگر ادله اجتهادی، همچون کتاب و سنت، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این حالت، فقیه می‌تواند همان گونه که از آیات یا روایات برای استنباط حکم بهره می‌برد، از شهرت نیز بدون نیاز به ضمیمه عنصر دیگری، به طور مستقل حکم شرعی را استنباط و صادر نماید.

دسته دوم، کارکرد ابزاری است. در این صورت، شهرت با وجود اقسام گوناگونش، به عنوان دلیل مستقل برای اثبات حکم شرعی تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان ضمیمه و قرینه‌ای در کنار دلیل اصلی به کار می‌رود. به عنوان مثال، در کلمات فقها، «شهرت عملی» به عنوان جابر ضعف سند در کنار روایت قرار می‌گیرد و ضعف سند آن را

جبران می‌کند. در نتیجه، فقیه با تمسک به همان دلیل لفظی، استنباط حکم شرعی می‌نماید (ر.ک: خویی، ۱۳۵۲، ۱۶۰/۲؛ علیدوست، ۱۳۹۶، ۳۷).

اما آنچه در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته، دو محور اساسی است نخست، بررسی دیدگاه فقهای شیعه در طول تاریخ فقهات درباره کارکردهای شهرت؛ به عبارتی، این که آنان چه کارکردهایی - اعم از استقلالی و ابزاری - برای شهرت قائل بوده‌اند و دوم اینکه با توجه به جایگاه ممتاز میرزای نائینی به عنوان یکی از برجسته‌ترین عالمان اصول فقه، این پرسش مطرح است که آیا ایشان در این زمینه دارای ابتکارات و بیانات جدیدی بوده‌اند یا خیر؟

مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تأکید ویژه بر دیدگاه‌های میرزای نائینی تدوین شده است. در ابتدا، با تبیین مفهوم شهرت و جایگاه آن در ادبیات علمی و عرصه عملی فقهات فقهای شیعه، زمینه‌ای فراهم می‌شود تا در گام بعد، بیانات میرزای نائینی به صورت دقیق بررسی و تحلیل گردد و از این رهگذر، نوآوری‌ها و ابتکارات این عالم برجسته کشف و تبیین شود.

۱. مفهوم شناسی شهرت

پیش از پرداختن به دو پرسش اصلی، ضروری است ابتدا به تبیین و بررسی اصطلاحات کلیدی مطرح شده در عنوان بحث پردازیم. پس از روشن شدن مفاهیم، به پاسخ دو پرسش مذکور خواهیم پرداخت.

شهرت در لغت، از ریشه «شَهَر» به معنای چیزی است که شیوع یافته و بر همگان آشکار شده باشد (ابن منظور، ۱۴۴۱ق، ۴۳۱/۱). همچنین، معانی دیگری چون «آشکار کردن»، «افشا نمودن» و «مشهور ساختن» نیز برای آن ذکر شده است (ابن فارس، ۱۴۱۵ق، ۵۴۰). در اصطلاح، شهرت به معنای شیوع یک نظر یا قول در میان عالمان دینی است؛ به گونه‌ای که به حدّ اجماع نرسیده باشد (مظفر، ۱۳۷۵، ۱۵۱/۲؛ صدر، ۱۴۰۶ق، ۱۳۳/۲). با این حال، از آنجا که شهرت دارای اقسام مختلفی است و هر یک نزد فقهای امامیه معنای خاص خود را دارد، لازم است هر یک از این اقسام به صورت جداگانه تبیین و از منظر فقیهان بررسی شود.

بازخوانی
کارکردهای شهرت
از دیدگاه علمای
شیعه با تأکید بر
ابتکارات میرزای
نائینی رحمته الله علیه

اگر فقها در مقام استنباط به روایتی استناد کرده و بر اساس آن فتوا دهند، هرچند روایت ضعیف باشد، به این نوع شهرت، «شهرت عملی» یا «شهرت در استناد» گفته می‌شود (کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۱۵۳/۳؛ بروجردی، ۱۴۱۷، ۲/۲۹۰).

در مقابل، چنانچه فتوایی میان فقها شیوع یافته باشد؛ ولی به حدّ اجماع نرسد - خواه آن که اساساً دلیلی در آن مسئله وجود نداشته باشد، یا دلیلی موجود باشد؛ اما شهرت مستند به آن نباشد و یا حتی شهرت برخلاف آن دلیل شکل گرفته باشد - به آن «شهرت فتوایی» گفته می‌شود (کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۱۵۳/۳؛ مظفر، ۱۳۷۵، ۲/۱۵۱). بنابراین، در شهرت فتوایی یا مستندی برای فتوای مشهور وجود ندارد و یا اگر وجود داشته باشد، روشن نیست که فقها در فتوای خود به آن استناد کرده باشند.

در تفسیر شهرت روایی، دو دیدگاه اصلی مطرح شده است: دیدگاه نخست بر این باور است که هرگاه روایتی در میان راویان دوران نزدیک به زمان معصوم علیه السلام شایع شود و افراد متعددی آن را نقل کنند - هرچند به حد تواتر نرسد - این روایت را «مشهور» می‌نامند؛ خواه مورد عمل فقها واقع شده باشد یا نه. این نوع شهرت، از جمله مرجّحات محسوب می‌شود.

در مقابل، دیدگاه دوم، شهرت روایی را به معنای ذکر روایت در کتاب‌های حدیثی می‌داند؛ به عبارت دیگر، در این دیدگاه با دو معنای متفاوت از شهرت روایی مواجه هستیم: یکی کثرت نقل و نگارش و دیگری کثرت راویان.

محقق نائینی در تبیین معنای شهرت روایی، این مفهوم را همان می‌داند که در مقبوله به آن اشاره شده است. به بیان دیگر، از نظر ایشان، مراد از شهرت روایی، اشتهار روایت در میان راویان و ثبت آن در کتاب‌های حدیثی است (کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۷۸۶/۴).

ایشان در بخش دیگری نیز تصریح می‌کنند که: «خبر مشهور، خبری است که در کتاب‌های احادیث تدوین شده و در میان راویان و ارباب حدیث، شناخته شده و معروف باشد» (کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۷۷۷/۴).

پذیرش هر یک از دو معنای مطرح شده برای شهرت روایی، آثار و نتایج خاص خود را به دنبال دارد. اگر شهرت روایی به معنای کثرت راویان تلقی شود، ترجیح

یک روایت به واسطه شهرت روایی، با مشکلی مواجه نخواهد بود؛ همان گونه که کثرت نقل در کتب نیز به معنای مستفیض بودن روایت نیست (ر.ک: هدایة المسترشدين، ۱۴۲۹ق، ۳/۴۴۰؛ بروجردی، ۱۴۱۷ق، ۳/۷۵).

با این حال، باید توجه داشت که شیخ حسین حلی در تقریرات خود از مباحث استادش تصریح می کند که شهرت روایی منحصر در دوران حضور ائمه علیهم السلام و پیش از تدوین کتب حدیثی است؛ نکته ای که می تواند قرینه ای بر پذیرش معنای نخست از شهرت، یعنی اشتها در میان راویان، قلمداد شود (حلی، ۱۴۳۲ق، ۱۲/۲۸۴). شایان ذکر است که در ادامه، به تفصیل به ابتکار محقق نائینی در خصوص ماهیت شهرت روایی خواهیم پرداخت و تحلیل روش شناختی ایشان را در این زمینه بررسی خواهیم کرد.

۲. شهرت و کارکردهای آن نزد علما

۲/۱. شهرت عملی و کاردهای آن

چنان که پیش تر بیان شد، کارکردهای سه گانه شهرت نزد علمای امامیه را می توان در قالب دو دسته کلی استقلالی و ابزاری طبقه بندی کرد.

۲/۱/۱. کارکرد استقلالی

با توجه به بررسی های انجام شده، روشن می شود که محقق نائینی و سایر علمای شیعه قائل به حجیت استقلالی برای شهرت عملی نیستند (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱/۴؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱/۳۷۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ۱/۲۹ - ۳۰؛ حلی ۱۴۱۲ق، ۱/۳۹؛ بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ۸۰؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ۳/۴۲۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۹/۳۸۴؛ کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۳/۱۵۳).

۲/۱/۲. کارکرد ابزاری

به صورت کلی می توان کارکردهای ابزاری مطرح شده پیرامون شهرت عملی را به دو دسته تقسیم نمود:

۲/۱/۲/۱. تعامل با سند روایت

از آنجا که عمل فقها می تواند در دو جهت موافقت یا مخالفت با روایت مورد نظر صورت گیرد، شهرت عملی نیز به دو صورت بروز می کند: یا شهرت در عمل

به روایت است یا اعراض از آن چیزی که می‌توان «اعراض مشهور از دلیل» نامید. برخی معتقدند پذیرش یک روایت توسط فقهای مشهور می‌تواند موجب «جبران ضعف سند» آن روایت شود؛ همان‌طور که اعراض مشهور فقها می‌تواند باعث «تضعیف روایت» گردد.

در دیدگاه مشهور فقها، اگر محرمی به‌طور جاهلانه دیگری را به عقد خود درآورد، این سبب حرمت ابدی می‌شود. فیض کاشانی در بیان مستندات این حکم به روایتی استناد کرده و با وجود ضعف سندی آن را پذیرفته است؛ وی علت پذیرش را شهرت عملی فقها به آن روایت می‌داند (فیض کاشانی، بی‌تا، ۲/۲۴۸). گروهی از فقها همچون شیخ طوسی، محقق حلی و علامه حلی با وجود ضعف سند روایت، به صدور آن وثوق یافته‌اند (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۴/۱؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱/۳۷۳؛ حلی، ۱۴۰۷ق، ۱/۲۹-۳۰؛ حلی، ۱۴۱۲ق، ۱/۳۹؛ بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ۸۰؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ۳/۴۲۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۹/۳۸۴). همچنین برخی از فقها، حتی در صورت ثقه بودن راوی، اعراض فقها از روایت را موجب تضعیف آن دانسته‌اند (حلی، ۱۴۰۷ق، ۱/۹۴؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ۳/۳۰۲).

فقهایی که شهرت عملی را جابر ضعف سند می‌دانند، در توجیه این دیدگاه به ادله‌ای مانند «اجماع» و «منطوق آیه نبأ» تمسک کرده‌اند. توضیح آنکه محقق حلی در کتاب «معارج الاصول» استناد شیخ طوسی برای الزام به پذیرش سند ضعیف به واسطه شهرت را اجماع دانسته است (حلی، ۱۴۲۳ق، ۲۱۳؛ ر.ک: بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ۴۸۷؛ کاشف الغطاء، بی‌تا، ۱/۲۱۳). شیخ طوسی در کتاب «تنقیح» نظر خود را در این موضوع تفصیل داده و بیان می‌کند که اگر شهرت عملی فقها در استناد به یک روایت، با وجود روایت معارضی به هم نخورد، به دلیل حصول اجماع در نقل آن روایت، عمل به آن واجب است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۴/۱) و تا آنجا که عمل به چنین روایتی را از قطعیات و مسلمات به شمار می‌آورد (طوسی، ۱۴۰۳ق، ۱/۳۷۳).

برخی دیگر در توجیه الزام به پذیرش ضعف سند به واسطه شهرت عملی، به معنای آیه «نبأ» تمسک کرده و بیان می‌کنند که ضرورت «تبیین» در خبر، به معنای کفایت حصول ظن برای عمل به آن است؛ زیرا در بسیاری از موارد تبیین حاصل می‌شود؛ اما قطعیت به دست نمی‌آید؛ بنابراین، صرف تبیین برای عمل به خبر واحد

کافی است. این ویژگی در عمل فقها نسبت به یک روایت نیز مشاهده شده و می‌توان از آن برای الزام پذیرش ضعف سند روایت به واسطه شهرت عملی استفاده کرد (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۱/۲۷۴).

میرزای نائینی نیز به دو کارکرد شهرت عملی اشاره کرده است (حلی، ۱۴۳۲ق، ۱۲/۲۸۳). لازم به ذکر است که علامه نائینی مانند دیگر اصولیان شیعه، کارکردهای ابزاری شهرت عملی را تنها در صورتی که این شهرت از نوع قدمایی باشد، می‌پذیرد (کاظمی الخراسانی، ۱۴۱۱ق، ۲/۲۷۹-۲۷۸؛ ر.ک: حلی، ۱۴۳۲ق، ۶/۳۹۱). ایشان در بحث فقهی درباره نجاست اهل کتاب می‌فرماید که اخبار دال بر طهارت ذاتی و نجاست عرضی اهل کتاب از حیث دلالت و سند صحیح و بدون اشکال است؛ ولی یک مشکل در این اخبار وجود دارد و آن این است که با شهرت فتوایی قدمایی مخالف است و اگر مبنای ما این باشد که شهرت فتوایی قدمایی که برخلاف دلیل است سبب سلب وثوق و اطمینان به خبر می‌شود، در این صورت قول به طهارت اهل کتاب با مشکل مواجه خواهد شد (نجم‌آبادی، ۱۴۲۱ق، ۷۴).

ممکن است برای برخی این اشکال مطرح شود که سخن درباره شهرت عملی و کارکردهای ابزاری آن است، در حالی که در بخش پیشین به شهرت فتوایی اشاره شد! این اشکال ناشی از عدم دقت در ماهیت سلبی اعراض از دلیل است. همان‌طور که برای اهل فن روشن است، اعراض ماهیتی سلبی دارد؛ یعنی فقها در مقام استنباط به دلیل عمل نمی‌کنند؛ اما این اعراض از طریق مواردی مانند شهرت فتوایی آشکار می‌شود. به عنوان مثال، روایات دال بر طهارت ذاتی اهل کتاب وجود دارد؛ اما شهرت فتوایی قدمایی بر نجاست ذاتی اهل کتاب دلالت دارد؛ این شهرت فتوایی نشان می‌دهد که قداما در مقام عمل از روایات مذکور اعراض کرده و بدان عمل نکرده‌اند. محقق نائینی در کتاب «فوائد الاصول» به این نکته ظریف تصریح کرده است (کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۳/۱۵۳-۱۵۴؛ خوئی، ۱۳۵۲، ۲/۱۶۱؛ حلی، ۱۴۳۲ق، ۱۲/۲۸۵). محقق خوئی در تقریر بیانات استاد خود چنین بیان می‌کند: «اما از نظر سند، هیچ تردیدی نیست که اعراض مشهور از روایت صحیح در ذات خود و فتوا دادن به خلاف آن، موجب تضعیف روایت می‌شود...» (خوئی، ۱۳۵۲، ۲/۱۶۱).

محقق نائینی نیز در بخش دیگری به صورت شفاف‌تر به این معنا اشاره کرده و می‌گوید: «اشکالی نیست اگر شهرت فتوایی مخالف مضمون روایت باشد، در هر صورت باعث تضعیف آن خواهد بود؛ زیرا اعراض اصحاب از روایت، قوی‌ترین دلیل تضعیف آن است» (کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۷۸۷/۴).

لازم است توجه شود که اصولیان و محقق نائینی برای اینکه اعراض بتواند به‌عنوان کاسر و مضعف دلیل شناخته شود، شروطی را بیان کرده‌اند؛ این شروط همگی مربوط به تحقق کاسریت اعراض است، نه صرف صحت و صدق عنوان «اعراض». شرط اول این است که اعراض از سوی قدما محقق شده باشد، نه متأخرین (خوئی، ۱۳۵۲، ۱۶۱/۲). دوم اینکه دلیل در منظر و دیدگان قدما بوده و ایشان به آن عمل نکرده باشند (حلی، ۱۴۳۲ق، ۳۹۱/۶)؛ بنابراین اگر فتوایی از قدما بر خلاف روایتی صحیح‌السند در کتاب‌هایی مانند اشعثیات یا دعائم الاسلام باشد، نمی‌توان آن را به‌عنوان اعراض مغل به صحت روایت تلقی کرد (خوئی، ۱۳۵۲، ۱۶۱/۲). شرط سوم آن است که شهرت فتوایی به‌عنوان اعراض، ناشی از طعن قدما به یکی از روایات حدیث نباشد؛ زیرا اگر با اجتهادات و مطالعات جدید، به خطای پیشینیان در رد اعتبار این روایت پی ببریم، در این صورت فتوا به خلاف دلیل و اعراض از دلیل، دیگر به‌عنوان مضعف دلیل محسوب نمی‌شود (خوئی، ۱۳۵۲، ۱۶۱/۲).

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۱۶

شهید ثانی و فقهای پس از ایشان، از جمله محقق کرکی، محقق اصفهانی، محقق خوئی و شاگردان ایشان، به مخالفت با قائلین به انجبار سند ضعیف به‌واسطه شهرت عملی برخاسته‌اند و معتقدند که سند ضعیف روایت به‌واسطه شهرت عملی مجبور به قبول نیست (عاملی، ۱۴۲۳ق، ۷۴-۷۵؛ عاملی، ۱۴۱۱ق، ۱۳۲/۱؛ اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ۴۳۴/۳؛ خوئی، ۱۴۲۲ق، ۲۳۶/۴۷؛ تبریزی، ۱۴۲۳ق، ۱۷۴/۳).

شهید ثانی در توضیح دلیل مخالفت خود می‌فرماید: انجبار سند ضعیف به‌واسطه شهرت عملی زمانی معتبر است که این شهرت، پیش از زمان شیخ طوسی نیز موجود بوده باشد؛ اما عمل فقها به روایت پیش از شیخ طوسی بر پایه انجبار به‌واسطه شهرت عملی نبوده است. پس از شیخ طوسی، فقها بدون تأمل و تحقیق دقیق، به روایاتی که شیخ در کتب خود ذکر کرده است استناد کردند؛ سپس فقهای متأخر این عمل

فقها پس از شیخ را به عنوان انجبار سند ضعیف به واسطه شهرت عملی تفسیر کردند و این کارکرد را مسلم و قطعی دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۲۳ق، ۷۴-۷۵).

محقق خوئی علاوه بر خدشه به حجیت شهرت عملی در انجبار سند، اصل تحقق شهرت عملی را نیز مورد نقد قرار داده و تحقق آن را به دلیل عدم ذکر مستند در فتاویٰ قدما، نامحتمل می‌داند. ایشان در توضیح این مطلب می‌فرماید: اثبات استناد مشهور به خبری، از اثبات کبرای قاعده انجبار ضعف سند روایت ضعیف به واسطه شهرت عملی دشوارتر است؛ زیرا مراد از «مشهور»، مشهور در میان قدمای اصحاب است و ما می‌دانیم که قدما تنها به بیان فتاویٰ خود می‌پرداختند و دلیل آن را ذکر نمی‌کردند. تنها کسی که به ادله به صورت تفصیلی پرداخته است، شیخ طوسی در کتاب مبسوط و تابعین ایشان بوده‌اند؛ بنابراین چگونه می‌توان به قطعیت رسید که قدمای اصحاب به روایت ضعیف استناد کرده‌اند؟ نهایت چیزی که می‌توان گفت این است که فتاویٰ ایشان با روایت موافق بوده است و تطابق صرف، دال بر استناد نیست (خوئی، ۱۴۲۲ق، ۴۷/۲۳۶).

محقق اصفهانی نیز بیان داشته است که اگر شهرت قدما همراه با قرینه‌ای بر صحت روایت باشد، این قرینه برای عموم مردم قابل استناد بوده و می‌تواند باعث انجبار سند روایت شود؛ اما در بسیاری از موارد، این ویژگی در شهرت‌ها وجود ندارد؛ بنابراین نمی‌توان برای اثبات انجبار سند روایت، به شهرت عملی تمسک جست (اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ۳/۴۳۴).

مرحوم شهید صدر در جمع‌بندی مبانی مواجهه با شهرت عملی چنین بیان می‌کند که اگر وثاقت راوی را به صورت موضوعی بپذیریم، صرفاً عدم وثاقت روایت باعث عدم حجیت آن می‌شود و شهرت عملی نیز نمی‌تواند حجیت بخشد. همان‌طور که اگر قرینه‌ای دلالت بر کذب بودن خبر داشته باشد، روایت ثقه نیز از حجیت ساقط نمی‌شود؛ اما اگر مبنا را طریقی بودن وثاقت راوی بدانیم و اصل را وثوق به مضمون خبر قرار دهیم، در این صورت هم عمل مشهور فقها می‌تواند موجب حجیت روایت شود و هم اعراض آن‌ها می‌تواند باعث تضعیف روایت گردد (صدر، ۱۴۲۱ق، ۲/۱۷۲-۱۷۴).

۲/۱/۲/۲. مرجع باب تعارض

در این زمینه می‌توان از همان مبنایی که فقیه در مواجهه با انجبار سند روایت به واسطه شهرت عملی اتخاذ کرده است، برای شناخت نظر او درباره کارکرد شهرت عملی در موارد تعارض بین روایات نیز استفاده کرد. این گزاره زمانی قوی‌تر می‌شود که درمی‌یابیم موافقان انجبار سند روایت به وسیله شهرت عملی، با رجحان عمل مشهور در موقعیت تعارض میان روایات نیز موافقت کرده‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱۵۵/۱؛ انصاری، ۱۴۲۸ق، ۱۳۹/۴؛ حلی، ۱۴۳۲ق، ۲۸۳/۱۲).

برخی از فقها بیان داشته‌اند که اگر دو روایت با یکدیگر تعارض پیدا کنند و یکی از آن‌ها از شهرت عملی برخوردار باشد و دیگری دارای شهرت روایی، روایت دارای شهرت عملی بر روایت دارای شهرت روایی تقدم دارد. به حدی که عمل نکردن مشهور فقها به روایتی که شهرت روایی دارد، نشان‌دهنده وجود خلل بزرگی در آن روایت است. این موضوع به اندازه‌ای سند روایت دارای شهرت روایی را ضعیف می‌کند که محقق عراقی تعارض را مستقر ندانسته و اساساً روایت معارض با شهرت عملی را فاقد قوت لازم برای ایجاد تعارض می‌داند و اطلاق لفظ «ترجیح» را مسامحه‌آمیز می‌شمرد (برجودی، ۱۴۱۷ق، ۲۰۵/۴-۲۰۶).

شیخ حسین حلی نیز همین اشکال را بر استاد خود، مرحوم نائینی وارد کرده و ایشان در پاسخ می‌فرمایند که اعراض از روایت به معنای خروج آن از دایره حجیت نیست (حلی، ۱۴۳۲ق، ۲۸۸/۱۲).

در مقابل دیدگاه فوق، برخی معتقدند که این مسئله در حد یک مرجح از مرجحات باب تعارض است و نمی‌توان آن را قطعی دانست. آن‌ها می‌گویند ممکن است سند روایتی که دارای شهرت روایی است، از قوت سند روایت مقابل که دارای شهرت عملی است قوی‌تر باشد و ظن قوی‌تری به آن بدهد (کنی، ۱۴۲۱ق، ۷۰-۷۱).

۲/۲. شهرت روایی و کارکردهای آن

۲/۲/۱. کارکرد استقلالی

باتوجه به بررسی‌های انجام‌شده، مشخص می‌شود که محقق نائینی و سایر علمای شیعه

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۱۸

قائل به حجیت استقلالی شهرت روایی نیستند (ر.ک: بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ۲۱۳؛ حکیم، ۱۴۱۸ق، ۲۲۱؛ کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۱۵۳/۳؛ صنفور، ۱۴۲۸ق، ۲۳۸/۲؛ جزایری، ۱۴۱۵ق، ۴/۳۸۸-۳۸۹).

۲/۲/۲. کارکرد ابزاری

بسیاری از فقهای امامیه، شهرت روایی را به عنوان یکی از مرجحات در باب تعارض روایات می دانند (حکیم، ۱۴۱۸ق/۲۲۱؛ کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۱۵۳/۳؛ صنفور، ۱۴۲۸ق، ۲۳۸/۲؛ جزایری، ۱۴۱۵ق، ۴/۳۸۸-۳۸۹). لازم است توجه داشت که علمای شیعه شهرت روایی را جابر ضعف سند نمی دانند؛ زیرا نقل روایت بدون فتوا به مضمون آن، احتمال وجود خلل در صدور یا جهات دیگر روایت را افزایش می دهد و همین سبب شده که فقها به آن استناد نکرده و از آن اعراض کنند؛ بنابراین، نه تنها شهرت روایی صرف معتبر نیست، بلکه برخی همچون بهبهانی (بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ۲۱۳) آن را عاملی برای تضعیف حدیث نیز می دانند.

۲/۳. شهرت فتوایی و کارکردهای آن

۲/۳/۱. کارکرد استقلالی

بسیاری از علما قائل به عدم حجیت شهرت فتوایی هستند (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۲۳۱-۲۳۵). در میان معاصران، آیت الله خوئی (خوئی، ۱۴۲۲ق، ۲/۱۴۱-۱۴۶ و ۲۴۰) نیز ادله اقامه شده مانند «فحوا ادله حجیت خبر واحد»، «تقیح مناط»، «علتی که در آیه نبأ ذکر شده» و همچنین روایاتی نظیر «مقبوله ابن حنظله» را مخدوش می داند؛ اما در مقابل، برخی فقها معتقدند که شهرت فتوایی دارای حجیت استقلالی است. امام خمینی رحمته الله علیه معتقد است که «شهرت فتوایی قدما» تا زمان شیخ طوسی حجت است؛ اما شهرت فتوایی متأخرین حجت نیست؛ زیرا روش قدما بر این بود که اصول را مستقیماً از ائمه دریافت کرده و بدون تغییر و تبدیل در کتب خود ثبت نمایند و بنا داشتند فتاوا را تا زمان ائمه ضبط کنند، در حالی که متأخرین چنین روشی نداشتند؛ بنابراین، به همان مناطقی که اجماع حجت است، شهرت فتوایی نیز حجت خواهد بود؛ یعنی معیار و ملاک، کاشفیت از قول معصوم علیه السلام است (خمینی، ۱۴۲۷ق، ۲/۲۶۱؛ ر.ک: بهجت، ۱۳۸۸، ۳/۲۲۱-۲۲۷).

ناگفته نماند که حجیت شهرت فتوایی به برخی فقها مانند شهید و گروهی دیگر از علما نسبت داده شده است؛ اما در اصل انتساب، تحلیل و معنای مورد نظر ایشان درباره این حجیت، تردید و ابهام وجود دارد (میرزای قمی، ۱۴۳۰ق، ۲/۲۷۶؛ انصاری، ۱۳۸۳، ۳/۱۱۶).

۲/۳/۲. کارکرد ابزاری

۲/۳/۲/۱. تعامل با سند روایت

گاهی مستند فتوای مشهور فقها مشخص نیست؛ اما مضمون روایتی با آن فتوا مطابقت دارد. در چنین حالتی، به دلیل نبودن مستند فقها، ادعای رویکرد ایجابی با سند روایت - یعنی «انجبار روایت نزدیک به مضمون فتوای مشهور» - نسبت به شهرت عملی که مستند فتوای مشهور در آن معلوم است، دشوارتر است. با این وجود، برخی فقها شهرت فتوایی را نیز، مشروط به شرایط و قیودی، باعث انجبار سند روایت دانسته‌اند. یکی از قطعی‌ترین این شرایط، قدمایی بودن شهرت فتوایی مورد استناد است؛ چرا که قدما خود را متعهد به دلایل نقلی می‌دانستند و بنابراین می‌توان متن فتاوی آنان را با متن روایت معصوم علیه السلام برابر دانست (بجنوردی، ۱۴۲۲ق، ۲/۹۱).

برخی قیود مطرح شده برای انجبار ضعف سند به واسطه شهرت فتوایی را موجب تقریب این نوع شهرت به شهرت عملی دانسته‌اند (بجنوردی، ۱۴۲۲ق، ۲/۹۱)؛ اما در مورد رویکرد سلبی، اگر فتوای مشهور فقها مخالف با یک روایت باشد، شهرت فتوایی می‌تواند موجب «تضعیف روایت مخالف» گردد. در بیان این کارکرد از شهرت فتوایی برخلاف کارکرد انجبار سند و ترجیح در مقام تعارض دو روایت، قیدی ذکر نشده است. تنها نکته‌ای که مورد تأکید قرار گرفته این است که اگر معلوم شود اعراض قدما از روایت به دلیل ضعفی است که در دلالت آن یافته‌اند و از لحاظ سندی مناقشه‌ای نکرده‌اند، این اعراض سبب تضعیف روایت نخواهد شد. همچنین اگر نسبت به علت اعراض قدما شک کنیم و نسبت به آن جاهل باشیم، باید اصل را بر ضعف سند روایت گذاشته و همچون اعراض قدما با آن برخورد کنیم (بروجردی، ۱۴۱۷ق، ۴/۲۰۶). افزون بر این، تصریح شده که حتی اگر شهرت متأخرین با مضمون روایت مخالف موافق باشد، باز هم شهرت فتوایی قدما باعث تضعیف روایت مخالف خواهد شد (ر.ک: بروجردی، ۱۴۱۷ق، ۴/۲۰۶).

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۲۰

۲/۳/۲/۲. مرجع باب تعارض

این کارکرد شهرت فتوایی رابطه‌ای تنگاتنگ با کارکرد انجبار ضعف سند به واسطه شهرت فتوایی دارد؛ به این صورت که اگر حجیت شهرت فتوایی در زمینه انجبار ضعف سند روایت پذیرفته شود، می‌توان قائل به ترجیح روایت در مقام تعارض نیز به واسطه شهرت فتوایی بود؛ زیرا شهرت فتوایی که موافق یک روایت متعارض است، موجب ظنّ به صحت آن روایت شده و آن را مرجح می‌سازد (بروجردی، ۱۴۱۷ق، ۲۰۶/۴؛ انصاری، ۱۴۲۸ق، ۱۳۹/۴).

میرزای نائینی نیز این مبنا را پذیرفته و بطور مستدل و مفصل آن را بیان کرده است. ایشان در مباحث مربوط به «ادراک جماعت» و معیار تحقق درک جماعت، به‌ویژه در موضوع ادراک رکعت، به دو قول اشاره می‌کند: قول اول که قول خود ایشان و مشهور فقهاست، به این بیان که آخرین زمانی که ادراک رکعت محقق می‌شود، پیش از رفع رأس امام از رکوع است. قول دوم، ادراک رکعت را زمان تکبیر رکوع می‌داند. میرزای نائینی برای اثبات قول دوم به پنج دسته روایت استناد می‌کند و سپس به تعارض این روایات با دلایل قول اول می‌پردازد.

ایشان ابتدا می‌فرمایند با توجه به وجود «جمع دلالتی» میان ادله، تعارضی بین آنها نیست؛ اما اگر این جمع دلالتی پذیرفته نشود و نوبت به بررسی مرجحات برسد، مرجحات سندی مربوط به دسته اول خواهد بود. ایشان این نکته را چنین بیان می‌کنند: «بنابراین، این پنج روایت نمی‌توانند به صورت دلالتی با دسته اول تعارض داشته باشند و با وجود چشم‌پوشی از این موضوع، مرجحات سندی نیز در آنجا وجود دارد، از جمله شهرت روایی - که از روایت «الاحتجاج» نمایان است - و شهرت فتوایی».

ایشان در این عبارت، مرجح دسته اول را شهرت روایی و فتوایی دانسته و در نتیجه، شهرت فتوایی را به‌عنوان مرجح در باب تعارض مطرح می‌کنند. این ادعا در کتاب اصولی ایشان نیز مستدل شده و شهرت قدمایی و متأخرینی که خلاف قاعده باشد، به‌عنوان مرجح در باب تعارض شناخته می‌شود (کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۷۸۹/۴).

۳. ابتکارات میرزای نائینی در شهرت

ابتکارات میرزای نائینی را می‌توان در سه بخش مطرح نمود: قسم اول مربوط به شهرت عملی و کارکردهای ابزاری آن است، قسم دوم ناظر به شهرت فتوایی و کارکردهای استقلال‌ی و ابزاری آن و قسم سوم نیز به شهرت روایی و کارکردهای ابزاری مربوط می‌شود.

۳/۱. شهرت عملی

۳/۱/۱. عدم نیاز به استناد در تحقق شهرت عملی

آنچه میان اصولیون شیعه - بلکه به گونه‌ای اتفاقی - مورد پذیرش است، اشتراط شهرت عملی به احراز استناد به دلیل است (حائری، ۱۴۰۴، ۳۵۳؛ اصفهانی، ۱۴۰۴، ۱۹۹؛ یزدی، ۱۴۲۱، ۱۱؛ خوئی، ۱۴۲۲، ۲۳۶/۴۷؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ۱۰/۲). به تعبیر دیگر، برای بهره‌مندی از کارکردهای ابزاری شهرت عملی، باید احراز شود که علما فتوای خود را بر اساس آن دلیل صادر کرده‌اند. با این حال، میرزای نائینی این شرط را نپذیرفته و احراز استناد را در تحقق شهرت عملی لازم نمی‌داند؛ ایشان این مبنا را در آثار فقهی و اصولی خود به‌صراحت بیان کرده‌اند.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۲۲

ایشان در این باره چنین می‌فرمایند: «وَأَمَّا (ثَانِيًا) فَلِكِفَايَةِ مَجْرَدِ مِطَابَقَةِ فَتْوَى الْمَشْهُورِ لِمُضْمُونِهِ فِي جَبَرِهِ، بَعْدَ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مُسْتَنْدٌ بَيْنَ غَيْرِهِ. وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَفَسَدَ عَلَيْنَا طَرِيقُ إِحْرَازِ الْعَمَلِ الْجَابِرِ لَضَعْفِ السَّنَدِ، إِذِ الْعَبْرَةُ فِي الْجَابِرِ هُوَ عَمَلُ الْقَدَمِ، وَلَيْسَ بِنَاءُ الْقَدَمِ عَلَى الْإِسْتِدْلَالِ بَلْ هُمْ مِنْ أَهْلِ الْمَتُونِ الْخَالِيَةِ عَنِ الْإِسْتِدْلَالِ. وَالْإِسْتِدْلَالُ إِنَّمَا هُوَ مِنْ وَظِيفَةِ الشَّرَاحِ الَّذِينَ هُمْ فِي الطَّبَقَةِ الْمَتَأَخَّرَةِ الَّتِي لَا عَبْرَةَ بِعَمَلِهِمْ فِي الْجَبَرِ وَالْكَسْرِ. فَلَا بَدَّ مِنْ أَنْ نَكْتَفِيَ فِي الْجَبَرِ بِمَجْرَدِ تَطَابُقِ فَتْوَى الْمَشْهُورِ لِمُضْمُونِ خَبَرٍ ضَعِيفٍ، مَعَ عَدَمِ وَجُودِ مُسْتَنْدٍ لِفَتْوَاهُمْ غَيْرِهِ» (کاظمی الخراسانی، ۱۴۱۱، ۲/۲۷۸).

البته مرحوم نائینی شرط مهمی را نیز در این زمینه مطرح می‌کند؛ ایشان تصریح می‌نمایند که نباید هیچ مستند بی‌نی غیر از این روایت برای حکم مورد نظر وجود داشته باشد. نائینی در توضیح این شرط می‌فرماید: از آنجایی که بر اهل علم پوشیده نیست، رویه فقهای قدما بر بیان دلیل و استدلال نبوده است و آنان صرفاً به بیان فتوای خود بسنده می‌کردند؛ افزودن شرح و استدلال از سوی فقهای متأخر صورت گرفته

است. بدیهی است که استناد فقهای متأخر - همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد - اعتباری ندارد. حال که هیچ مستند دیگری برای فتوا یافت نمی‌شود و قدما نیز دلیل فتوای خود را تصریح نکرده‌اند، باید به واسطه شهرت موجود، ضعف سند روایت را جبران کنیم (کاظمی الخراسانی، ۱۴۱۱ق، ۲/۲۷۸-۲۷۹).

ایشان در مباحث اصولی خویش نیز به تفصیل به این موضوع پرداخته و آن را مستدل ساخته‌اند. وی با اشاره به روش فقهای قدیم در نگارش آثار فقهی و این نکته که آنان در اغلب موارد مستند فتوای خویش را ذکر نمی‌کردند، چنین نتیجه می‌گیرند: اگر شهرتی در میان فقهای متأخر در مسئله‌ای وجود داشته باشد و این شهرت مطابق با فتوای قدمای اصحاب در همان مسئله باشد و از سوی دیگر مفاد این فتوا خلاف قاعده باشد، این هماهنگی خود کاشف از آن است که قدمای اصحاب نیز به همین دلیل موجود استناد کرده‌اند و بر اساس آن فتوا داده‌اند. از این رو، احراز استناد در چنین مواردی نه لازم است و نه ممکن؛ اما اگر فتوای متأخران و قدمای اصحاب مطابق با قاعده باشد، به دلیل احتمال استناد آن به خود قاعده، این استدلال قابل اجرا نخواهد بود؛ در نتیجه نمی‌توان چنین شهرتی را جابر ضعف دلیل موافق آن دانست (ر.ک: کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۴/۴۸۷-۴۸۸؛ خونی، ۱۳۵۲، ۲/۱۶۱-۱۶۲؛ حلی، ۱۴۳۲ق، ۱۲/۲۸۶-۲۸۷).

شاید گفته شود ادعای ایشان ناظر به شهرت عملی استنادیه نیست، بلکه سخن ایشان درباره شهرت فتوایی است و این کارکرد در شهرت فتوایی نیز مطرح شده است. در پاسخ باید گفت: عبارات ایشان در کتاب الصلاة به روشنی نشان می‌دهد که مراد ایشان شهرت عملی است. در فرع یادشده، ایشان پس از نقل دو روایت نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که بر ادعای وی دلالت دارد، می‌فرمایند: اشکال این دو روایت، ضعف سندی آن‌هاست و ادعای جابر ضعف سند به سبب عمل مشهور نیز پذیرفته نیست؛ چرا که استنادی از سوی مشهور به این دو روایت یافت نشده است.

این اشکال را شماری از علما همچون شیخ عبدالکریم حائری (حائری، ۱۴۰۴ق، ۳۵۳)، اصفهانی (اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۱۹۹)، یزدی (یزدی، ۱۴۲۱ق، ۱۱/۱) مطرح کرده‌اند. در شهرت عملی، وجود استناد ضروری است. شیخ عبدالکریم حائری و دیگران در

بیان این اشکال تصریح کرده‌اند که صرفِ مطابقت فتوای مشهور با یک روایت ضعیف السند، نمی‌تواند موجب جبران ضعف سند گردد، بلکه شرط آن، استناد مشهور به همان روایت ضعیف السند است (حائری، ۱۴۰۴؛ ۳۵۳؛ اصفهانی، ۱۴۰۴؛ ۱۹۹؛ یزدی، ۱۴۲۱؛ ۱۱/۱).

علامه نائینی اشکال یادشده را با تعبیر: «و دعوی آنه لم يعلم استناد المشهور القائلین بضعیفه» (کاظمی الخراسانی، ۱۴۱۱؛ ۲۷۸/۲-۲۷۹) مطرح می‌کنند. ایشان سپس به حل این اشکال می‌پردازند و با بیانی که پیش‌تر نیز مطرح شده بود، احراز استناد را غیر لازم می‌دانند.

طبیعی است که با در نظر گرفتن فضای گفتگو میان ایشان و اشکال‌کنندگان و نیز با توجه به اینکه محور اصلی اشکال، نبود احراز استناد است و پاسخ نائینی نیز بر عدم لزوم این احراز استوار است، باید نتیجه گرفت که محور بحث، شهرت عملی است. چرا که اگر بحث از شهرت عملی به شهرت فتوایی تغییر کرده بود، دلیلی نداشت که برای اثبات عدم نیاز به احراز استناد، شرط و شروطی مطرح شود. ایشان می‌توانستند به سادگی بگویند که مراد از شهرت، شهرت فتوایی است و اساساً شهرت فتوایی نسبت به استناد، شرط لا دارد؛ بنابراین، می‌توان به‌طور قطعی گفت که فضای گفتگو ناظر به شهرت عملی است و از منظر علامه نائینی، احراز استناد نه تنها لازم نیست، بلکه در برخی موارد اساساً امکان‌پذیر نیز نیست.

البته سؤالی که در این میان مطرح می‌شود این است که چه انگیزه‌ای در علامه نائینی وجود دارد که در شهرت عملی، استناد را شرط نمی‌داند و آن را جابر ضعف سند می‌شمارد، در حالی که شهرت عملی بدون استناد، تفاوت روشنی با شهرت فتوایی ندارد؟ جالب آنکه ایشان - همان‌طور که در مباحث بعدی مطرح خواهد شد - در شهرت فتوایی نیز کارکرد جابر ضعف سند را پذیرفته‌اند.

سؤال دیگر این است که چرا ایشان در این بحث، به صراحت بحث را به سمت شهرت فتوایی نمی‌برد و اشکال را از این مسیر حل نمی‌کند، حال آنکه این راه هیچ دشواری یا اشکالی به همراه ندارد؟

با در نظر گرفتن تمامی آنچه بیان شد، می‌توان به‌طور قطع اظهار داشت که ایشان

احراز استناد در شهرت عملی را شرط نمی‌دانند. اهل فن توجه دارند که این مبنا بسیار راهگشا است؛ زیرا مرحوم خوئی که از مهم‌ترین مخالفان این دیدگاه به شمار می‌رود، همان‌طور که در مسائل پیشین اشاره شد، علاوه بر اشکال در کبری قاعده جابر ضعف سند به واسطه شهرت عملی، اشکال اصلی خود را عدم امکان احراز استناد فتوای مشهور به روایت مورد نظر می‌داند (خوئی، ۱۴۲۲ق، ۲۳۶/۴۷).

ایشان، علاوه بر اشکال به کبری «انجبار ضعف سند با عمل مشهور»، تحقق صغرای قاعده - یعنی احراز استناد مشهور در عملی به دلیل - را دشوارتر از کبری می‌داند و اگر احراز استناد لازم نباشد، این اشکال اساساً رفع خواهد شد. جالب این است که حتی موافقان جابریّت ضعف سند نیز بر اصرار به احراز استناد به روایت تأکید داشته و آن را نقل کرده‌اند (ر.ک: خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۳۳۴/۵ و ۱۰/۲).

۳/۱/۲. کاسریت در دلالت روایت صحیح الدلاله

آنچه در میان اصولیان شیعه، بلکه به نحوی اجماع نزد ایشان محسوب می‌شود، این است که شهرت عملی بر اساس دلیل، قابلیت جبران ضعف دلالتی را ندارد و صرفاً آنچه محل بحث و اختلاف است، جبران ضعف سندی است (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۵۸۷/۱؛ خوئی، ۱۴۲۲ق، ۲۸۱/۱).

اما آنچه در عمل از برخی علمای شیعه مشاهده می‌کنیم، خلاف این نظر است (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۹ق، ۵۲۸/۵ و ۲۶۴/۱۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۶/۱ و ۲۳۶/۱ و ۷۱/۱۶ و ۴۱/۱۷ و ۸۲/۱۷ و ۳۴۲/۱۸ و ۴۲۳/۱۸ و ۱۱/۱۹ و ۶۸/۱۹ و ۲۴۰/۱۹ و ۴۵۴/۲۰).

اما در مقابل این دو گروه، میرزای نائینی نه با گروه اول موافق است و نه با گروه دوم. ابتکاری که میرزای نائینی دارد این است که همانند آنچه از سوی مرحوم خوئی به عنوان مشهور ادعا شده، جبران ضعف دلالتی توسط شهرت عملی را نمی‌پذیرد؛ اما از سوی دیگر، مخالفت شهرت با دلالت روایت را موجب کسر دلالت آن می‌داند. این ابتکار، در واقع یک تغییر و تبدیل در رأی و نظر این محقق بزرگ به شمار می‌آید. توضیح آنکه میرزای نائینی نیز مانند مشهور فقهای شیعه، قائل به عدم جبران ضعف دلالتی به واسطه شهرت بوده است و در درس خود این گونه بیان می‌دارد:

بازخوانی
کارکردهای شهرت
از دیدگاه علمای
شیعه با تأکید بر
ابتکارات میرزای
نائینی رحمته الله علیه

«و بالجمله، الشهرة... لا توجب دخوله في موضوع الحجة من حيث الدلالة أبداً»
(خوئی، ۱۳۵۲، ۲/۱۶۰).

ایشان همین مبنا را نسبت به کاسریت شهرت در دلالت، در دوره‌های اولیه اصول خود نیز قائل بوده‌اند؛ به این معنا که اگر روایتی با سند و دلالت صحیح وجود داشته باشد؛ اما مشهور فقهای قدما بر خلاف آن فتوا داده باشند، این مخالفت باعث ایجاد ضعف در دلالت آن روایت نمی‌شود (خوئی، ۱۳۵۲، ۲/۱۶۱).

اما در دوره‌های اخیر اصول خود از این مبنا بازگشته‌اند. محقق خوئی در تقریر درس اصول استاد خود این گونه بیان می‌کند: اگر روایتی صحیح الدلالة وجود داشته باشد؛ اما مشهور قدما بر خلاف آن فتوا داده باشند، این مخالفت باعث ایجاد آسیب در دلالت روایت می‌شود؛ زیرا صدور فتوا توسط قدما بر خلاف روایت صحیح السند و الدلالة، نشان‌دهنده این است که ایشان به قرائنی دست یافته‌اند که بر اساس آن، برخلاف ظاهر روایت، فتوا داده‌اند و در نتیجه، مخالفت مشهور سبب حمل روایت بر خلاف ظاهر خواهد شد (خوئی، ۱۳۵۲، ۲/۱۶۱).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۲۶

۳/۲. شهرت فتوایی

۳/۲/۱. کارکرد استقلالی شهرت فتوایی

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، از دیدگاه فقهای شیعه، شهرت فتوایی حجیت استقلالی ندارد (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۱/۲۳۱-۲۳۵؛ خوئی، ۱۴۲۲ق، ۲/۱۴۱-۱۴۶، ۲۴۰). همچنین گفته شد که برخی از علمای معاصر که زمانی متأخرتر از مرحوم نائینی هستند، قائل به حجیت استقلالی شهرت فتوایی قدمایی شده‌اند (بهجت، ۱۳۸۸، ۳/۲۲۱-۲۲۷؛ خمینی، ۱۴۲۷ق، ۲/۲۶۱).

با توجه به اینکه برخی از این بزرگان از شاگردان بی‌واسطه میرزای نائینی بوده‌اند، محتمل است که به‌طور مستقیم از درس ایشان تأثیر پذیرفته باشند. یکی از ابتکارات میرزای نائینی این است که شهرت فتوایی را به‌عنوان حجت استقلالی پذیرفته‌اند و در مواردی بر اساس آن اقدام به صدور حکم کرده‌اند که در ادامه به دو نمونه اشاره می‌شود:

نمونه اول: ایشان در استدلال بر عدم جواز نماز در لباسی که دارای موی حیوان غیر مأکول اللحمی باشد، می‌فرمایند: «نماز در لباسی که موی حیوان حرام گوش بر آن باشد، صحیح نیست؛ به دلیل شهرت مستفیضة، بلکه اجماع در مسئله و عموم موثقه ابن بکیر...» (نجم‌آبادی، ۱۴۲۱ق، ۱۰۴). دقت در تعبیر این فقیه بزرگ نشان می‌دهد که ایشان شهرت فتوایی را به عنوان دلیلی مستقل برای این فتوا می‌دانند و در کنار آن به اجماع و روایات خاصه نیز تمسک جسته‌اند. این ادعا را می‌توان با استناد به «لام تعلیل» در عبارت «للشهرة المستفیضة» مستدل نمود.

نمونه دوم: ایشان در بحث عدم جواز نماز در لباسی که موی سنجاب در آن وجود دارد، می‌فرمایند: «وَأَمَّا الثَّانِي؛ فَلِلشَّكِّ فِي أَصْلِ الْحُكْمِ فِيهِ؛ لِأَنَّ الْأَخْبَارَ الْخَاصَّةَ فِيهِ مُتَعَارِضَةٌ؛ وَالْعَامَّةُ مِنْهَا - مِثْلَ مَوْثِقَةِ ابْنِ بَكِيرٍ بِقَرِينَةِ السُّؤَالِ - صَرِيحٌ فِي الْمَنْعِ، وَلِأَنَّ الْمَشْهُورَ بَيْنَ الْقَدَمَاءِ وَجُمْلَةَ مِنَ الْمُتَأَخِّرِينَ الْمَنْعَ فِيهِ، مَعَ أَنَّهُ إِلَى الْأَكْثَرِ نَسَبُ الشَّهِيدِ قَدَسَ سِرِّهِ، مَعَ أَنَّ الْإِجْمَاعَ عَلَيْهِ مَقْبُولٌ، وَيَشْهَدُ بِذَلِكَ كُلُّهُ التَّبَتُّعُ فِي الْأَخْبَارِ وَكَلِمَاتِ الْأَخْيَارِ قَدَسَ أَسْرَارِهِمْ؛ فَالْأَقْوَى فِيهِ الْمَنْعُ أَيْضًا» (نجم‌آبادی، ۱۴۲۱ق، ۱۰۴). ایشان در این عبارت به این سؤال اشاره می‌کنند که آیا سنجاب از حکم عدم جواز نماز در لباس دارای موی حیوان غیر مأکول اللحمه استثنا شده است یا خیر؟ محقق نائینی قائل به عدم استثنا و در نتیجه عدم جواز نماز در این مورد می‌شود. در استدلال بر این حکم، با تعبیر «وَلِأَنَّ الْمَشْهُورَ بَيْنَ الْقَدَمَاءِ وَجُمْلَةَ مِنَ الْمُتَأَخِّرِينَ الْمَنْعَ فِيهِ» به دلیل بودن شهرت فتوایی برای این حکم اشاره می‌کند؛ که وجود «لام تعلیل» بر این ادعا دلالت دارد. توجه به این نکته لازم است که شهرت در دو عبارت فوق، شهرت فتوایی است.

۳/۲/۲. کارکرد ابزاری شهرت فتوایی

۳/۲/۲/۱. جبران ضعف سند

آنچه مسلم است این است که آن قسم از شهرت که می‌تواند سبب جبران ضعف سندی شود، شهرت عملی است و شهرت فتوایی این قابلیت را ندارد (زروندی رحمانی، ۱۳۹۶، ۱۲). البته این قابلیت پیش‌تر از محقق عراقی و بجنوردی نقل شده است؛ اما با

توجه به اینکه جناب بجنوردی شاگرد مستقیم میرزای نائینی بوده و همچنین محقق عراقی که هم عصر و صاحب حاشیه بر تقریرات اصول میرزا است، بسیار محتمل است که این دو نیز تحت تأثیر میرزا به این قابلیت گرایش داشته‌اند.

اما در مقابل، یکی از کارکردهای ابزاری که میرزای نائینی برخلاف گذشتگان برای شهرت فتوایی قائل است، جبران ضعف سندی است. ایشان می‌فرمایند: شهرت فتوایی اگر از قدما باشد و موافق با شهرت فتوایی متأخرین نیز باشد و از سوی دیگر این فتوا خلاف قاعده نیز باشد، در این صورت شهرت توانایی جبران ضعف سندی روایت را داراست (کاظمی الخراسانی، ۱۳۷۶، ۷۸۹/۴).

مقرر ایشان، شیخ حسین حلی، در بیانی مفصل به این موضوع اشاره کرده و می‌فرماید: در صورتی که شهرت متأخرین با شهرت قدمایی موافق باشد، صرف مطابقت فتوا با روایت برای جبران ضعف سندی کافی است؛ اما اشکالی که در این میان وجود دارد، این است که احتمال دارد قدما به دلیل دیگری دسترسی داشته‌اند که به دست ما نرسیده است و لزوماً به خبر فعلی ضعیف السند عمل نکرده باشند.

ایشان در پاسخ به این اشکال می‌فرمایند: باید در نظر داشت که کتب حدیثی متقدمین نزد علمای متأخر همانند محقق حلی، علامه حلی و شهید اول موجود بوده است؛ حال یا منبع فتواهای متأخرین همین روایت است که در کتب ایشان بیان شده، یا بیان نشده است. در صورت دوم، با توجه به اینکه شهرت متقدمین با عصر متأخرین امتداد داشته و دلیلی غیر از روایت موجود یافت نمی‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که دلیل قدما بر فتواهای خود نیز همین روایت بوده است؛ زیرا امتداد شهرت از قدما تا متأخرین، با وجود نبود کتب حدیثی سابق، دلالت بر این امر دارد (حلی، ۱۴۳۲ق، ۲۸۸-۲۸۷/۱۲).

مرحوم حلی در ادامه می‌فرماید: «هر آنچه در این موضع از استادم نقل می‌کنم، هیچ تغییری که سبب آسیب به اصل مطلب باشد در آن ایجاد نکرده‌ام» (حلی، ۱۴۳۲ق، ۲۸۸/۱۲). ایشان در این عبارت می‌خواهند به امانت در نقل آنچه از استاد خویش دریافت نموده‌اند، تصریح کنند.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۲۸

۳/۳. شهرت روایی

۳/۳/۱. ماهیت شهرت روایی

یکی از نوآوری‌های مهم میرزای نائینی، تنقیح و اشاره دقیق به ماهیت شهرت روایی و افتراق آن با عناوین دیگر است. شیخ حسین حلی، مقرر درس ایشان، این گونه می‌فرماید: روات سه دسته بوده‌اند: دسته اول، اصحاب الاصول؛ اینان افرادی هستند که احادیث را بدون واسطه از امام علیه السلام گرفته و کتابت کرده‌اند و به این نوع از کتب، «اصل» اطلاق می‌شود. دسته دوم، اصحاب الکتب؛ این گروه افرادی هستند که روایات موجود در اصول را از صاحبان آن نقل کرده و در کتب خویش ثبت می‌کردند. به نوشته‌های ایشان «کتاب» گفته می‌شود و در نهایت، دسته سوم، اصحاب المجامیع هستند؛ کسانی که پس از اصحاب الاصول و اصحاب الکتب، تمام آنچه در کتب آن دو گروه بوده را جمع‌آوری و در کتاب خویش ثبت نموده‌اند، مانند «کافی شریف» (حلی، ۱۴۳۲ق، ۱۲/۲۸۱-۲۸۲).

بازخوانی
کارکردهای شهرت
از دیدگاه علمای
شیعه با تأکید بر
ابتکارات میرزای
نائینی رحمته الله علیه
۲۹

توجه به این سه طبقه اهمیت دارد تا بدانیم مراد از شهرت در اصطلاح شهرت روایی، همان شهرت در طبقه دوم (اصحاب الکتب) است؛ زیرا شهرت در طبقه اول در شمار روایت متواتر بوده و حجیت آن قطعی است و شهرت در طبقه سوم و پس از آن خارج از دایره اصطلاح شهرت روایی قرار می‌گیرد (حلی، ۱۴۳۲ق، ۱۲/۲۸۱-۲۸۲).

۳/۳/۲. جابریّت ضعف سند روایت

آنچه در اصول فقه شیعه معروف و مشهور است، بیان جابریّت یا عدم جابریّت ضعف سند ذیل شهرت عملی است (زروندی رحمانی، ۱۳۹۶، ۱۲)؛ اما میرزای نائینی این قابلیت را به‌طور عینی برای شهرت روایی نیز قائل هستند.

محقق خویی، مقرر درس ایشان، می‌فرماید: «هیچ شکی نیست که تحقق شهرت روایی حول روایتی معین، با وجود خلل و نقصی در سند آن، نشان از این امر دارد که این روایت نزد اصحاب ائمه علیهم السلام، به سبب نزدیکی به زمان صدور این روایات، مشتمل بر امری بوده است که به سبب آن وثوق و اطمینان به صدور آن یافته‌اند. بدین سبب می‌توان شهرت روایی حول یک روایت را جابر ضعف سندی آن دانست» (خونی، ۱۳۵۲، ۲/۱۵۹).

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان گردید، مشخص می‌شود که علمای شیعه برای مفهوم شهرت کارکردهای متعددی قائل هستند. نخست اینکه، شهرت عملی، مشروط به احراز استناد به دلیل، می‌تواند ضعف سندی روایت را جبران نماید. همچنین، اعراض مشهور از روایتی سبب ایجاد ضعف سندی در آن می‌شود. علاوه بر این، شهرت عملی به‌عنوان یکی از مرجحات خارجی در مباحث مرجحات مطرح است، در حالی که شهرت روایی یکی از مرجحات داخلی به شمار می‌آید. در نهایت، شهرت فتوایی نیز از جمله مرجحات خارجی محسوب می‌گردد. این تقسیم‌بندی نقش مهمی در تحلیل و فهم مباحث فقهی و اصولی ایفا می‌کند.

همچنین ابتکارات میرزای نائینی در باب شهرت را می‌توان به شرح زیر بیان کرد: اولاً، در شهرت عملی، احراز استناد مشهور به دلیل لازم نیست و صرف مطابقت با آن کفایت می‌کند؛ ثانیاً، شهرت بر خلاف دلیل می‌تواند موجب از بین رفتن ظهور دلیل لفظی شود؛ به عبارت دیگر، شهرت مخالف روایت سبب کسر دلالت آن خواهد بود، حتی اگر خود روایت صحیح الدلالة باشد. ثالثاً، شهرت فتوایی می‌تواند به‌طور مستقل به‌عنوان دلیل برای استنباط احکام شرعی مورد استفاده قرار گیرد. رابعاً، شهرت فتوایی قابلیت جبران ضعف سندی دلیل را دارد؛ و خامساً، شهرت روایی نیز می‌تواند جبران‌کننده ضعف سندی دلیل باشد.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰

۱۴۰۴

۳۰

منابع

- ابن فارس، احمد. (۱۴۱۵ق). *معجم المقاییس اللغة*. بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۴۱ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- اصفهانى، فتح الله (شيخ الشريعة). (۱۴۰۴ق). *أحكام الصلاة*. قم: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- اصفهانى، محمد حسین. (۱۴۱۴ق). *نهاية الدراية في شرح الكفاية*. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- اصفهانى نجفى (ایوان کیفی)، محمد تقی بن عبدالرحیم. (۱۴۲۹ق)، *هدایة المسترشدين*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- انصاری دزفولی، مرتضی. (۱۴۲۸ق). **فرائد الاصول**. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- انصاری دزفولی، مرتضی. (۱۳۸۳). **مطارح الانظار**. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بروجردی، محمد تقی. (۱۴۱۷ق). **نهایة الأفکار**، تقریرات درس آیت الله عراقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بهبهانی، محمد باقر. (۱۴۱۷ق). **حاشیة مجمع الفائدة و البرهان**. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
- بهبهانی، محمد باقر. (۱۴۱۵ق). **الفوائد الحاثرة**. قم: مجمع الفکر الإسلامی
- بهجت فومنی، محمد تقی. (۱۳۸۸). **مباحث الأصول**. قم: انتشارات شفق.
- تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۳ق). **التهذیب فی مناسک العمرة و الحج**. قم: دارالتفسیر.
- جزایری، محمد جعفر. (۱۴۱۵ق). **منتهی الدراية فی توضیح الکفایة**. چاپ چهارم، قم: دارالکتاب.
- حاتری، عبد الکریم. (۱۴۰۴ق). **کتاب الصلاة**. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- حکیم، تقی. (۱۴۱۸ق). **الاصول العامة فی الفقه المقارن**. چاپ دوم، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام.
- حلی، جعفر بن حسن نجم الدین (محقق حلی). (۱۴۰۷ق). **المعتبر فی شرح المختصر**. قم: بی نا.
- حلی، جعفر بن حسن نجم الدین (محقق حلی). (۱۴۲۳ق). **معارج الأصول**. قم: مؤسسه الإمام علی علیه السلام.
- حلی، حسن ابن یوسف (علامه حلی). (۱۴۱۲ق). **مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حلی، شیخ حسین. (۱۴۳۲ق). **اصول الفقه**، تقریر مباحث محمد حسین نائینی. قم: مکتبه الفقه و الاصول المختصه.
- خوانساری، سید احمد. (۱۴۰۵ق). **جامع المدارک فی شرح مختصر النافع**. چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۳۵۲). **اجود التقریرات**، تقریر مباحث محمد حسین نائینی. قم: مطبعة العرفان.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). **مصباح الأصول**، قم: مؤسسه آثار الإمام الخوئی.
- زروندی رحمانی، محمد. (۱۳۹۶). «قاعدة انجبار ضعف سند با عمل مشهور». **جستارهای فقهی و اصولی**، ۳(۶). ۶۹-۲۸.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۲۱ق). **دروس فی علم الأصول الحلقة الأولى والثانية**. قم: مجمع الفکر الإسلامی.

صدر، محمد باقر. (۱۴۰۶ق). **دروس فی علم الأصول**. بیروت: دار الکتب اللبنانی

صنقور، محمد. (۱۴۲۸ق). **المعجم الاصولی**. چاپ دوم، قم: منشورات الطیار.

طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی). (۱۳۹۰ق). **الاستبصار فیما اختلف من الأخبار**. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی). (۱۴۰۳ق). **عدة الأصول**. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.

طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی). (۱۴۱۷ق). **كتاب الخلاف**، تحقیق محمد مهدی نجف، جواد شهرستانی و علی خراسانی کاظمی. قم: بی نا.

عاملی، محمد ابن مکی (شهید اول). (۱۴۱۹ق). **ذکر الشیعه فی احکام الشریعه**. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.

عاملی، حسن بن زین الدین. (بی تا). **معالم الدین و ملاذ المجتهدین: المقدمة فی اصول الفقه**. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

عاملی، زین الدین (شهید ثانی). (۱۴۲۳ق). **الرعاية فی علم الدرایة**. قم: بوستان کتاب.

عاملی، سید جواد. (۱۴۱۹ق). **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**. قم: انتشارات اسلامی.

عاملی، محمد بن حسین (محقق ثانی). (۱۴۱۱ق). **جامع المقاصد فی شرح القواعد**. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.

علیدوست ابرقویی، ابوالقاسم. (۱۳۹۶). **فقه و حقوق قراردادها، ادله عام روایی**. چاپ سوم، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی. (بی تا). **مفاتیح الشرائع**. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

قمی، ابوالقاسم (میرزای قمی). (۱۴۳۰ق). **قوانین الأصول**، بی جا: بی تا.

کاظمی الخراسانی، الشیخ محمد علی. (۱۳۷۶). **فوائد الأصول**، تقریر مباحث محمد حسین نائینی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

کاظمی الخراسانی، الشیخ محمد علی. (۱۴۱۱ق). **كتاب الصلاة**، تقریر مباحث محمد حسین نائینی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

کنی، علی بن قربانعلی. (۱۴۲۱ق). **توضیح المقال فی علم الرجال**. قم: بی نا.

مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۵). **اصول الفقه**. قم: اسماعیلیان.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰

۱۴۰۴

۳۲

- بجنوردی، حسن. (۱۴۲۲ق). *منتهی الأصول*. قم: مکتب بصیرتی.
- خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۷ق). *أنوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة*. تهران، ناشر: مؤسسة تنظیم ونشر تراث الإمام الخمینی رحمته الله علیه.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. تصحیح عباس قوچانی و علی اخوندی. چاپ هفتم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- نجم آبادی، ابوالفضل. (۱۴۲۱ق). *الرسائل الفقهیة*. تقریر مباحث محمدحسین نائینی، آقا ضیاء الدین عراقی. قم: انتشارات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا رحمته الله علیه.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*. قم: مؤسسه آل البيت رحمته الله علیهم.
- یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۱ق). *رسالة فی حکم الظن فی الصلاة و بیان کیفیة صلاة الاحتیاط*. چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

References

- Ibn Fārīs, Aḥmad Ibn Fārīs. 1994/1405. *Mu'jam Maqāyīs al-Lughā*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Manzūr, Muḥammad Ibn Mukarram. 1993/1414. *Lisān al-'Arab*. Beirut: Dār al-Fikr lil Tībā'at wa al-Nashr; Dār Ṣādir.
- Iṣfahānī, Faṭḥullāh (shaykh al-Sharī'ah). 1983/1404. *Aḥkām al-Ṣalat*. Qom: Maktabat al-Imām Amīr al-Mu'minīn 'Alī.
- al-Gharawī al-Iṣfahānī, Muḥammad Husayn (al-Muḥaqqiq al-Iṣfahānī). 1414/1414. *Nihāyat al-Dirāya fī Sharḥ al-Kifāyah*. 2nd. Beirut: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ihya' al-Turāth.
- al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 2001/1422. *Far' id al-Uṣūl*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī.
- Al-Baḥrānī Al-Ṣanqūr, Muḥammad. 2005/1426. *Al-Mu'jam al-Uṣūlī*. Qom: Manshūrāt Naqsh.
- al-Burūjirdī al-Najafī, Muḥammad Taqī. 1996/1417. *Nihāyat al-Afkār alqawā'id al-Fiqhīya (Taqrīrāt Buḥūth al-Muḥaqqiq al-'Irāqī)*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- al-Bihbahānī, Muḥammad Bāqir (al-Waḥīd al-Bihbahānī). 1996/1417. *Ḥāshīyat Majma' al-Fā'ida wa al-Burhān*. Qom: Mu'assasat al-'Allāma al-Mujaddid al-Waḥīd al-Bihbahānī.

al-Wahīd al-Bihbahānī, Muḥammad Bāqir. 1994/1415. *Al-Fawā'id al-Ḥā'iriyah*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmīyah.

Bahjat Gīlānī Fūmanī, Muḥammad Taqī. 2009/1388. *Mabāḥith al-Uṣūl*. Qom: Intishārāt Shafaq.

Tabrizī, Jawād ibn 'Alī. 2002/1423. *Al-Tahdhīb fī Manāsik al-'Umrāt wa al-Ḥajj*. Qom: Dār al-Tafsīr.

al-Jazā'irī al-Murawwij, al-Sayyid Muḥammad Ja'far. 1994/1415. *Muntahā al-Dirāya fī Tawḍīḥ al-Kifāya*. Qom: Mu'assasat Dār al-Kitāb.

Ḥā'irī Yazdī, 'Abd al-Karīm. 1983/1404. *Kitāb al-Ṣalāt*.^{1st}. Qom: Būstān-i Kitāb-i Qom (Intishārāt-i Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī-yi Ḥawzi-yī 'Ilmīyyi-yi Qom).

Al-Ṭabāṭabā'ī Al-Ḥakīm, Sayyid Muḥammad Taqī. 1997/1418. *al-Uṣūl al-'Āmah fī al-Fiqh al-Muqāran*.^{2nd}. Qom: al-Majma' al-'Ālamī li Ahl al-Bayt (A.S).

al-Ḥillī, Najm al-Dīn Ja'far Ibn al-Ḥasan (al-Muḥaqqiq al-Ḥillī). 1986/1407. *Al-Mu'tabar fī Sharḥ al-Mukhtaṣar*. Qom: Mu'assasat al-Sayyid al-Shuhadā'.

al-Ḥillī, Najm al-Dīn Ja'far Ibn al-Ḥasan (al-Muḥaqqiq al-Ḥillī). 2002/1423. *Ma'ārij al-Uṣūl*. London: Mu'assasat al-Imām 'Alī ('A).

al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 1991/1412. *Mukhtalaḥ al-Shī'a fī Ahkām al-Sharī'a*.^{2nd}. Qom: Būstān-i Kitāb-i Qom (Intishārāt-i Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī-yi Ḥawzi-yī 'Ilmīyyi-yi Qom).

Al-Ḥillī, Shaykh Ḥusayn. 2011/1432. *Uṣūl al-Fiqh*. Qom: Maktabat al-Fiqh wa al-Uṣūl al-Mukhtaṣah.

al-Khāwnsārī, al-Sayyid Aḥmad. 1984/1405. *Jāmi' al-Madārik fī Sharḥ al-Mukhtaṣar al-Nāfi'*. Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī. Qom: Mu'assasat Ismā'īliyyān.

al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1973/1352. *Ajwad al-Taqrīrāt (Taqrīrāt Baḥth al-Mīrzā al-Nā'inī)*. Qom: Maṭba'at al-'Irfān.

al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 2002/1422. *Miṣbāḥ al-Uṣūl*.^{5th}. Taqrīrāt Sayyid Muḥammad Surūr Wā'iz Ḥusaynī. Qom: Maktabat al-Dāwarī.

Zarwandī Raḥmānī, Muḥammad. 2017/1396. *Qā'idah Injibār-i Ḍa'f-i Sanad bā 'Amal-i Mashhūr*. Majalah-yi Justār-hāyi Fiqhī wa Uṣūlī, 3(6), 28-69.

al-Ṣadr, al-Sayyid Muḥammad Bāqir. 2000/1421. *Durūs fī 'Ilm al-Uṣūl (al-Ḥalqat al-Ūlā wa al-Thānīyat)*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī.

al-Ṣadr, al-Sayyid Muḥammad Bāqir. 1987/1408. *Iqtisādunā*.^{2nd}. Qom: al-Majma' al-'Ilmī li al-Shahīd al-ṣadr.

al-Ṣadr, al-Sayyid Muḥammad Bāqir. 1985/1406. *Durūs fī 'Ilm al-Uṣūl*. Beirut: Dār al-Kitāb al-Lubnānī.

- Al-Şanqūr, Muḥammad. 2007/1428. *Al-Mu'jam al-Uṣūlī*. Qom: Manshūrāt al-Ṭīyār.
- al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1970/1390. *Al-Istibṣār fīmā Ikhtalafa min Akhbār*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1982/1403. *al-'Uddat fī al-Uṣūl*. Qom: Mu'asassat Āl al-Bayt Li Ihya' al-Turāth.
- Al-Ṭūsī, Abū Ja'far Muḥammad Ibn Ḥassan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1996/1417. *Kitāb al-Khilāf*. Qom.
- al-'Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn 'Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1998/1419. *Dhikrī al-Shī'at fī Ahkām al-Sharī'at*. Mu'asassat Āl al-Bayt Li Ihya' al-Turāth.
- al-'Āmilī, Ḥassan Ibn Zayn al-Dīn. n.d. *Ma'ālim al-Dīn wa Mlāḍh al-Mujtahidīn*. Qom: Mu'asassat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- al-'Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn 'Alī (al-Shahīd al-Thānī). 2002/1423. *Al-Ra'āyat fī 'Ilm al-Uṣūl*. Qom: Būstān-i Kitāb-i Qom (Intishārāt-i Daftar-i Tablighāt-i Islāmī-yi Ḥawzi-yi 'Ilmīyyi-yi Qom).
- al-Ḥusaynī al-'Āmilī, al-Sayyid Muḥammad Jawād. 2004/1419. *Miftāḥ al-Kirāmat fī Sharḥ Qwā'id al-'Allāma*. 1st. Qom: Mu'asassat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- al-'Āmilī al-Karakī, 'Alī Ibn al-Ḥusayn (al-Muḥaqqiq al-Karakī, al-Muḥaqqiq al-Thānī). 1990/1411. *Jāmi' al-Maqāṣid fī Sharḥ al-Qawa'id*. Qom: Mu'asassat Āl al-Bayt Li Ihya' al-Turāth.
- 'Alīdūst, Abulqāsim. 2017/1396. *Fiqh wa Huqūq-i Qarārdād-hāyi Adillih-yi 'Ām-i Rīwāyī*. 3rd. Qom: Intishārāt Pazhūhishgāh-i Farhang wa Andīshih-yi Islāmī.
- Ābī, Ḥassan ibn Abī Ṭālib. 1989/1410. *Kashf al-Rumūz fī Sharḥ al-Mukhtaṣar al-Nāfi*. Edited by 'Alī Panāh Ishtihārdī. Qom: Mu'asassat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- Al-Fāḍil al-Muwaḥhidī al-Lankarānī, Muḥammad. 2007/1428. *Īdāḥ al-Kifāyat*. Qom: Intishārāt Nūḥ.
- al-Fayḍ al-Kāshānī, Muḥammad Muḥsin. n.d. *Maḥāṭib al-Sharā'i*. Qom: Manshūrāt Maktabat Āyat Allāh al-'Uzmā al-Mar'ashī al-Najafī.
- al-Qommī, al-Mīrzā Abū al-Qāsim (al-Mīrzā al-Qommī). n.d. *al-Qawānīn al-Uṣūl*.
- Al-Kāzīmī al-Khurāsānī, Muḥammad 'Alī. 1997/1376. *Fawā'id al-Uṣūl*. Qom: Mu'asassat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- Al-Kāzīmī al-Khurāsānī, Muḥammad 'Alī. 1990/1411. *Kitāb al-Ṣalāt. Taqrīrāt al-Buḥūth Muḥammad Ḥusayn al-Nā'inī*. Qom: Mu'asassat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.

al-Janājī al-Hillī al-Najāfī, Ja'far ibn Khidr ibn Yahyā (Kāshif al-Ghiṭā'). n.d. *Kashf al-Ghiṭā' 'an Mubhamāt al-sharī'at al-gharrā'*. Qom: Intishārāt Mahdawī.

Kanī, 'Alī ibn Qurbān'alī. 2000/1421. *Tawḍīḥ al-Maqāl fī 'Ilm al-Rijāl*. Qom.

al-Muẓaffār, Muḥammad Riḍā. 1996/1375. *Uṣūl al-Fiqh*. Qum: Mu'assasat Ismā'īliyyān.

Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 1995/1416. *Anwār al-Uṣūl. Taqrīrāt Aḥmad Qudsī*. Qom: Intishārāt Nasl-i Jawān.

Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 2006/1427. *Dā'irat al-Ma'ārif Fiqh Muqāran*. Qom: Madrasī-yi Imām 'Alī Ibn Abī Ṭālib

Mahdawī, Aṣghar Āqā. 2010/1389. *Guftār-hāyi dar Bāb-i Qur'ān, Fiqh, Falsafah*. Tehran: Intishārāt Dānishgāh Imām Ṣādiq (as).

Al-Mūsawī al-Bunjurdī, Sayyid Mīrzā Ḥasan. 2001/1422. *Muntahī al-Uṣūl*. Qom: Maktabat Baṣīratī.

al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Sayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 1994/1415. *Anwār al-Hidāya fī l-Ta'līqā 'alā al-Kifāya*. 2nd. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.

al-Najāfī, Muḥammad Ḥasan. 1983/1404. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'ī al-Islām*. 7th. Edited by 'Abbās al-Qūchānī. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.

Al-NajmĀbādī, Abulfaḍl. 2000/1421. *Al-Rasā'il al-Fiqhīyah. Taqrīrāt Buḥūth Muḥammad Ḥusayn Nā'inī, Āqā Ḍīyā' al-Dīn 'Irāqī*. Qom: Intishārāt Mu'assisih-yi Ma'ārif Islāmī.

al-Narāqī, Aḥmad Ibn Muḥammad Mahdī (al-Fāzil al-Narāqī). 1994/1415. *Mustanad al-Shī'a fī Aḥkām al-Sharī'a*. 1st. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ihya' al-Turāth.

al-Ṭabāṭabā'ī al-Yazdī, al-Sayyid Muḥammad Kāzim. 2000/1421. *Risālat fī Ḥukm al-Zan fī al-Ṣalāt wa Bayān Kifīyat Ṣalāt al-Iḥtīyāt*. 2nd. Mu'assasat Ismā'īliyyān